

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون راهبری
ربای لرد جاناتان ساکس



با سپاسگزاری از بنیاد خیریه موريس ول برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسير هفتگی تورات

خانه ای که با هم می سازیم: تروما ۵۷۸۱

The Home We Build Together: Terumah 5781

توالی پاراشاهای که با تروما آغاز می شوند و با تتزواه، کی تيسا، ويخل و پکوده ی ادامه می يابند، به دلايل بسياری گيچ کننده است. ابتدا ساختن محراب (ميشکان)، نيايشگاه سياری که بنی اسرائيل ساختند و با خود در بيابان حمل کردند، با جزييات خسته کننده توصيف می شود. اين روايت تقريباً تمام یک سوم آخر سفر خروج را اشغال می کند. چرا اين قدر طولانی؟ محراب در نهايت فقط یک خانه موقت برای جلال الهی بود که می بایست سرانجام جای خود را به معبد اورشليم بدهد.

افزون بر اين، چرا ساختن محراب در سفر خروج می آید؟ طبيعتاً جای آن می بایست در سفر لاويان (وييقرأ) باشد که يکسره به تشریح عبادت محراب و قربانی های پيشکش شده به آن می پردازد. سفر خروج برعکس می توانست "تولد یک ملت" نام بگيرد. اين کتاب درباره گذار بنی اسرائيل از شکل یک خاندان به یک ملت و سير آنها از بردگی به سوی آزادی است و با عهد میان خدا و قوم به اوج می رسد. محراب چه ربطی به اينها دارد؟ اين نوع عجيبی از به پايان رساندن یک کتاب است.

به نظر من پاسخ باید بسیار عمیق باشد. نخست تاریخ بنی اسرائیل را تا این لحظه به یاد بیاوریم. چندین و چند شکایت مطرح شده است. وقتی نخستین دخالت موسی شرایط را سخت تر کرد، آنها شکایت کردند. سپس در دریای سرخ به موسی گفتند: "آیا به این خاطر بود که در مصر هیچ قبری وجود نداشت که ما را به بیابان آوردی تا بمیریم؟ با خارج کردن ما از مصر چه بر سر ما آورده ای؟ آیا در مصر به تو نگفتیم: ما را به حال خود رها کن و بگذار خدمت مصریان را بکنیم؟ برای ما بهتر بود که خدمت مصریان را می کردیم تا اینکه در بیابان بمیریم!" (خروج ۱۱-۱۲: ۱۴).

آنها پس از عبور از دریا به شکایت ادامه دادند، ابتدا در مورد بی آبی، سپس درباره تلخ بودن آب، بعد نبودن غذا و باز کمبود آب. سپس چند هفته پس از وحی کوه سینا که تنها مورد آشکار شدن خدا به کل یک ملت بود، گوساله طلایی ساختند. اگر توالی غیرمنتظره معجزه ها نتواند پاسخی قانع کننده به یک ملت بدهد، پس چه چیزی می تواند؟

پس از آن بود که خدا گفت: باشد که آنها با هم چیزی بسازند. این فرمان ساده بنی اسرائیل را دگرگون کرد. در تمام مدت ساختن محراب، هیچ شکایتی مطرح نشد. تمام مردم مشارکت کردند - برخی طلا دادند، برخی نقره و برنز و برخی پوست و پرده و دیگران زمان و مهارت های خود را به میان آوردند. آنها به اندازه ای از مال خود بخشیدند که موسی به آنها دستور داد که بس است. این یک اصل است: آنچه خدا برای ما انجام می دهد، برای ما تغییر ایجاد نمی کند، بلکه آنچه ما برای خدا انجام می دهیم، چنین می کند.

تا وقتی هر بحرانی توسط موسی یا معجزات برطرف می شد، بنی اسرائیل در وضعیتی وابسته به سر می بردند. پاسخ معمول آنها شکایت کردن بود. آنها برای رسیدن به بلوغ فکری و مسئولیت می بایست از دریافت کنندگانی منفعل تبدیل شوند به مخلوقاتی فعال. قوم می بایست تبدیل شود به "شرکای خدا در کار آفرینش" (شبات ۱۰ الف). این به نظر من همان چیزی است که حکیمان تلمودی در ذهن خود داشتند وقتی گفتند: "آنها را نه فرزندان خودت، بلکه سازندگان برای خودت نام بده" (براخت ۶۴ الف). مردم باید تبدیل به سازندگان می شدند تا از کودکی به بلوغ برسند.

یهودیت فراخوان خدا است برای مسئولیت پذیری انسان. او از ما نمی خواهد به معجزات تکیه کنیم. نمی خواهد ما به دیگران وابسته باشیم. او می خواهد که ما شرکای او باشیم و بپذیریم که آنچه داریم، از او داریم و آنچه از داشته های خود می سازیم به ما، گزینش ها و تلاش های ما مربوط است. به دست آوردن این تعادل، آسان نیست. زیستن یک زندگی وابسته، آسان است. همچنین آسان است که در جهت معکوس به دام این اشتباه بیفتیم که بگوییم: "قدرت و توانایی دستان من این ثروت را برای من آورده است" (تثنیه ۸:۱۷). نگرش یهودی به شرایط انسانی این است که هر چه ما به دست می آوریم به خاطر تلاش های خود ما است، اما همچنین اساساً نتیجه برکت خداوند می باشد.

ساختن محراب نخستین پروژه ای بود که بنی اسرائیل با هم انجام دادند. در این کار هم بخشندگی و هم مهارت های آنها مشارکت کردند. به آنها این امکان را داد که اندکی از آنچه به آنها داده شده بود را به خداوند بازگردانند. به آنها اعتماد به نفس کار و تلاش خلاق بخشیده، زایش یک ملت از درون آنها را به سرانجام رساند و چالش آینده را نمادین ساخت. اجتماعی که آنها برای خلق آن در سرزمین اسرائیل فراخوانده شده بودند، اجتماعی بود که در آن هر کس باید نقشی به عهده بگیرد. باید آنگونه که در عنوان کتابم آورده ام، "خانه ای که با هم بسازیم" در میان باشد.¹

اینجا ما یکی از بزرگترین چالش های رهبری را می یابیم: باید به مردم فرصت دهندگی، مشارکت و همکاری داده شود. چنین رفتاری نیازمند مهار خود یا *tzimtzum* از طرف رهبر و راه دادن به دیگران برای مشارکت در رهبری است. چنان که گفته می شود: بهترین رهبر کسی است که به ندرت نیاز دارد که دیگران از او تقدیر کنند. وقتی کارش انجام می شود و هدف به دست می آید، می گویند: با هم انجامش دادیم.²

¹ Jonathan Sacks, *The Home We Build Together: Recreating Society* (Bloomsbury Academic, 2009).

² Attributed to Lao-Tsu.

از اینجا به تمایزی بنیادی در سیاست میان حکومت و اجتماع می‌رسیم. حکومت کارهای ما را از راه ماشین دولت و با ابزارهای قانون، دادگاه‌ها، مالیات و هزینه‌های عمومی به انجام می‌رساند. اجتماع یعنی کارهایی که از راه اجتماعات، انجمن‌های داوطلبانه، خیریه‌ها و سازمان‌های رفاهی برای یکدیگر انجام می‌دهیم. به اعتقاد من، یهودیت ترجیح را به اجتماع می‌دهد تا به حکومت، دقیقاً به دلیل این تشخیص که عامل دگرگون‌ساز، کاری است که ما برای دیگران انجام می‌دهیم و نه کاری که دیگران یا خدا برای ما انجام می‌دهند و این نکته مرکزی سفر خروج است. به نظر من فرمول یهودیت این است: دولت کوچک، جامعه بزرگ.

الکسی دوتوکویل متفکری بود که عمیقترین بصیرت را نسبت به ماهیت دموکراتیک اجتماع داشت. او که در دهه ۱۸۳۰ از آمریکا بازدید کرد، دید که توانمندی آمریکا در چیزی نهفته است که او "هنر انجمن‌سازی" نامید: گرایش آمریکایی‌ها به گردهم آمدن در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلب برای کمک به یکدیگر به جای واگذاری این وظیفه به یک دولت مرکزی. در غیر این صورت اگر افراد تماماً به دولت متکی باشند، آنگاه آزادی دموکراتیک به خطر می‌افتد. او در یکی از ماندگارترین بخش‌های شاهکار خود می‌گوید که دموکراسی‌ها دستخوش یک سرکوب کاملاً جدید هستند که در گذشته سابقه نداشته است. او می‌گوید که این خطر زمانی پیش می‌آید که مردم فقط برای خود و در خود زندگی کرده، دنبال کردن خیر عمومی را به دولت می‌سپارند. در این حالت زندگی این گونه می‌شود:

بر نوع بشر قدرتی عظیم حاکم است که او را به تضمین ارضای امیال و تعیین سرنوشت خود وامی‌دارد. این قدرت مطلق، دقیق، منظم و ناظر است. مانند اقتدار والدینی که فرد را برای زندگی مردانه آماده می‌کند، اما برعکس آنها را در دوران کودکی نگه می‌دارد: آدم‌ها می‌توانند خشنود باشند، به شرط آنکه به چیزی جز خشنودی فکر نکنند. چنین دولتی برای خوشبختی آنها زحمت می‌کشد، اما می‌خواهد تنها عامل فعال و فراهم‌کننده خوشبختی باشد؛ برای امنیت آنها تلاش می‌کند، نیازهای آنها را پیش‌بینی و فراهم می‌نماید، شرایط لذت بردن آنها را پدید می‌آورد، ملاحظات اساسی آنها را برآورده می‌سازد، صنایع آنها را هدایت می‌کند، مالکیت آنها را قانونمند

می سازد و ارثیه ها را تقسیم می کند: پس چه باقی می ماند اگر دولت همه زحمت های فکر کردن و دردهای زیستن های را هموار سازد؟³

دوتوکویل این جملات را تقریباً دوپست سال پیش نوشت و امروز این خطر جوامع اروپایی را تهدید می کند: همه چیز شده حکومت و اجتماع هیچ است؛ همه چیز در دست دولت و انجمن هایی وجود ندارند.⁴ دوتوکویل نویسنده ای دیندار نیست. او هیچ اشاره ای به تورات نمی کند. اما هراسی که دارد همان است که در اسناد سفر خروج بازتاب یافته است. وقتی یک قدرت مرکزی – حتی اگر خود خدا باشد – همه چیز را برای مردم انجام می دهد، مردم در وضعیتی توسعه نیافته باقی می مانند. آنها به جای عمل کردن شکایت می کنند. وقتی رهبر آنها مانند مورد موسی غایب می شود، آنها کارهای دیوانه واری همچون ساختن گوساله طلایی انجام می دهند. آنها به سادگی ناامید می شوند.

تنها یک راه حل وجود دارد: مردم را تبدیل به شریک ساختن سرنوشت خودشان بکنیم و به ساختن چیزی با مشارکت یکدیگر واداریم و آنها را به یک تیم تبدیل کرده، نشان دهیم که بی پناه نیستند و مسئول و توانا در اجرای یک کار مشترک می باشند. سفر پیدایش با این نکته آغاز می شود که خدا جهان را همچون خانه ای برای انسان آفرید. سفر خروج با صحنه ساختن محراب یا "خانه ای برای خدا" توسط انسان ها به پایان می رسد.

اصل بنیادی یهودیت از اینجا پایه گذاشته می شود: ما فراخوانده شده ایم که شریک آفرینش با خدا باشیم. همچنین این آموزه را داریم که رهبران به جای مردم کارهای آنها را انجام نمی دهند. آنها به مردم یاد می دهند که چگونه کارها را خودشان انجام بدهند. آنچه به ما امکان دستیابی به کرامت داشتن

³ Alexis De Tocqueville, *Democracy in America*, abridged and with an introduction by Thomas Bender (The Modern Library, New York, 1981), 584.

⁴ This is not to imply that there is no role for governments; that all should be left to voluntary associations. Far from it. There are things – from the rule of law to the defence of the realm to the enforcement of ethical standards and the creation of an equitable distribution of the goods necessary for a dignified existence – that only governments can achieve. The issue is balance.

مسئولیت را می دهد، نه آنچه خدا برای ما انجام می دهد، بلکه آن چیزی است که ما برای خدا انجام می دهیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust